

در این قرض ظهور دارد؛ ایجابی است که مُقرض انشامی کند، قبولی هست که مُقرض انشامی کند. کسی به دیگری وام می دهد و شرایط خاصی هم دارد که چگونه تأدیه کند. یک وقت انسان مجبور است قرض کند آن بحث دیگری است اما برای تأمین معاش خودش، می خواهد راحت تر زندگی کند و مانند آن، بود زبیر بار قرض، این دردین مکروه است زیرا غصه شب است و ننگ روز. دین نمی خواهد مردم بانگ زندگی کنند، می خواهد با صبغة الله زندگی کنند.

این که وقتی شب شد، انسان غصه دارد که من چگونه دینم را ادا کنم، وقتی طلبکار را دید، مُقرض را دید، خجالت می کشد، با این وضع نمی شود جامعه را اداره کرد، این طور باشد، رضایت مردم تأمین نمی شود. در روایات اگر ملاحظه بفرمایید آنجا کلمه دین آمده اما فقه بین دین و قرض فرق گذاشته، فرمودند دین [که منظور همان قرض است] «هَمَّ بِاللَّيْلِ وَذُلَّ بِالنَّهَارِ».

[۳] لذا فتوای فقهی این است که [اگر] انسان عمداً خودش را مقروض کند، زبیر بار قرض برود، مکروه است. اگر ما توانستیم جامعه را به طرز این اداره کنیم که مردم با آبرو زندگی کنند، این بیان نورانی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تأمین شده است. فرمود: ستون جامعه، مردم اند. البته مردم باید از اتراف و اسراف و افراط بپرهیزند، این حرف دیگر است. اسراف حرام است. کسی مُترفانه زندگی کند به جایی نمی رسد. این هاسر جایش محفوظ است. اما حداقل زندگی آبرومندانه را انسان باید بدون غصه شب و ننگ روز داشته باشد.

مردم؛

راه برودن رفت از تنگنا

فرمود: «وَإِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْغَدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ». این سومی را که ما در دفاع مقدس کاملاً تجربه کردیم. جنگی که در ایران شد ده ساله بود، نه هشت ساله. دو سال جنگ داخلی بود که بر ما تحمیل کردند، هشت سال هم دفاع مقدس بود. آن انفجارها، آن کشتاری که در گنبد شده، در کردستان شده، به بهانه خلق مسلمان شده، به بهانه خلق عرب شده، انفجار مقر حزب جمهوری بوده، انفجار دفتر نخست وزیری بوده، انفجار در دادستانی بوده، این ها همه شان جنگ داخلی بود که دو سال طول کشید. مردم با بزرگواری این ها را تحمل کردند. آن دفاع مقدس هشت ساله را که الآن شما راهیان نور را می بینید چند میلیون به جنوب رفتند آن فضا را دیدند، این ها را مردم تأمین کردند. فرمود در روز خطر، مردم مشکل را حل می کنند، در روز عادی شما باید رضایت توده مردم را به نحو مشروع تأمین کنید.

گوش سپاری به خواسته

مردم

این را به مالک فرمود: «وَإِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ»، که پراکنده نشوند. اگر خواستید وحدت داشته باشید، اختلاف نداشته باشید، باید این ستون را حفظ کنید. اگر ستون لرزان باشد، خواه ناخواه اختلاف پیدا می شود. اگر گفتیم ما نباید اختلاف داشته باشیم، این شعار حق است؛ اما حق بودنش در سایه این است که بدانیم مردم، ستون دین اند. مردم، ستون نظام اند. فرمود: «وَإِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْغَدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ»، پس «فَلْيَكُنْ صَعُوكَ لَهُمْ وَمِيلُكَ مَعَهُمْ» گوشت متوجه حرف های این ها باشد، میل به طرف توده مردم باشد. اصغعا یعنی گوش فرادادن. «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ» [۴] که در بیان نورانی امام جواد (سلام الله علیه) همین است. فرمود گوشت به این باشد که این مردم چه می گویند، میل به این باشد که رضایت مردم را تأمین کنی.

دوری از بدگویان از مردم

بعد به دنبالش فرمود آن ها که سخن چین اند، آن ها که بدگویی مردم را باید گویی عده ای رانزد توی مالک اشتر می کنند، سعی کن با آن ها کمتر رابطه داشته باشی. تو وظیفه ات این باشد که (یک) عیب را بپوشانی، (دو) عیب محقق شده را شست و شو کنی، (سه) عیب مستور را مشهور نکنی. به این فکر نباشی که جست و جو کنی که چه کسی چه کار کرده چه کسی چه کار نکرده، اسرار مردم را در بیابوری که یک روز رسوایشان کنی، و اگر سری از کسی ظاهر شد، سعی کن آن را تظہیر کنی و به حرف های سخن چینان و امثال ذلک توجه نکن، «وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ أَظْلَمُهُمْ لِمَعَآيِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا